

هیدروپلیتیک رودخانه‌های آمودریا و سیردریا

و کنش‌های ژئوپلیتیکی حوضه آبریز

محسن عابدینی^۱

حسن عبدالملکی^۲

سید جعفر میرخاندوزی^۳

مهدی اولج‌الاملی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱

چکیده

مصرف آب در سال‌های اخیر به علل رشد جمعیت، گسترش شهرها و توسعه کشاورزی از افزایش چشمگیری برخوردار بوده است. این مسئله سبب بروز بحران آب، منازعه و کنش بین کشورها در مورد استفاده از آب‌های مرزی شده است. اختلافات مرزی در زمینه منابع آبی در جغرافیای سیاسی به‌عنوان یک موضوع محوری شمرده می‌شود. نقشه‌های جهان بیانگر عدم انطباق مرزهای سیاسی با منابع و رودهای مرزی هستند و این موضوع باعث ایجاد چالش بین دو یا چند کشور همسایه شده است. از جمله مناطق چالش‌برانگیز در این خصوص، منطقه آسیای مرکزی است که بر موضوع استفاده از منابع آبی مشترک دچار اختلاف شده‌اند. این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه شده است، به بررسی هیدروپلیتیک رودهای آمودریا و سیردریا در منطقه آسیای مرکزی پرداخته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که رودخانه‌های آمودریا و سیردریا چه تأثیری بر کنش‌های ژئوپلیتیکی حوضه آبریز دارد. این پژوهش با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با استفاده از روش گردآوری کتابخانه‌ای تهیه شده است و در پایان، ضمن بررسی مسائل ژئوپلیتیکی به‌وجودآمده در حوضه آبریز رودهای آمودریا و سیردریا تنها راه‌حل این کنش‌ها انجام مذاکرات و همکاری منطقه‌ای بین کشورهای حوضه آبریز با استفاده از الگوی مشارکتی عنوان می‌نماید.

واژگان کلیدی

هیدروپلیتیک؛ سیردریا و آمودریا؛ آسیای مرکزی؛ کنش‌های ژئوپلیتیکی

۱. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

۲. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

۳. کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی

۴. دکترای جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات



نقش آب در ایجاد توسعه و حیات تمدن بشری امری مسلم و پرارزش است و نخستین تمدن‌های بشری در کنار رودهای دائمی و منابع آبی ۵ تا ۶ هزار سال پیش در بین‌النهرین و کنار رود نیل شکل گرفته‌اند. دوسوم سطح کره زمین را آب فرا گرفته است که از این مقدار، ۹۷ درصد آب‌های شور و فقط ۳ درصد آب‌ها شیرین و قابل‌شرب است. مرزها به‌عنوان یکی از موضوعات محوری در حوزه جغرافیای سیاسی، علی‌رغم ماهیتی انسانی، به‌دلیل اینکه بر عوارض سطح زمین ترسیم می‌شوند، تحت تأثیر خصوصیات طبیعی آنها قرار می‌گیرند. مرزهای آبی از جمله این مرزها هستند که به‌دلیل ویژگی‌های مورفولوژی در مقایسه با سایر عوارض سطحی زمین و همچنین تنش‌های ناشی از کمبود آب در حوضه‌های آبریز مرزی، از اهمیت بالایی در ارتباط با تعیین خطوط و اختلافات مرزی برخوردارند. مرزها دربرگیرنده خطوطی هستند که باعث اعمال محدودیت در قلمرو کشورها می‌شوند. مهم‌ترین مباحث در حوزه جغرافیای سیاسی مرز را چگونگی شکل‌گیری مرز، نوع مرز، مناقشات ناشی از مسائل مرزی و مانند آنها تشکیل می‌دهد. در این میان، مرزهای آبی از جمله مرزهای طبیعی به‌شمار می‌روند که می‌توانند به‌دلیل ماهیت آنها از عوامل انسانی و طبیعی، مشکلاتی را برای کشورهای طرفین مرز بیافرینند.

باتوجه به تحولات اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی در سطح جهان تا اواسط قرن حاضر مردم جهان با بحران آب مواجهه خواهند شد. وضعیت جهان به‌گونه‌ای است که در حال به‌رسمیت‌شناختن کمبود آب شیرین است. هیچ‌گاه بشر تصور نمی‌کرد که جهانی که دوسوم آن را آب فراگرفته است، روزی گرفتار بحران آب شود. بنابراین، کمبود آب شیرین باعث امنیتی و سیاسی‌شدن آن می‌شود که پیامدهای اکولوژیک و هیدروپلیتیک آن می‌تواند در تبادل ارگانیکی جهت کشورهای حوزه و پدیده مهاجرت و ناامنی بسیار قابل‌توجه و مهم باشد (عسگری، ۱۳۸۱: ۱۶). در مناطق خشک و نیمه‌خشک که رودخانه‌های مرز ملی کشورها را تشکیل می‌دهند، این مناطق به‌طور بالقوه برای بروز تنش با همسایگان مستعد هستند (صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۴۸). آسیای مرکزی مدتی طولانی است که به‌عنوان منطقه‌ای که در آن ظرفیت برای افزایش تنش بر سر آب‌های مرزی و اختلافات بالقوه اقتصادی و قومی بالاست، شناخته می‌شود. آنچه رقابت بر سر آب‌های مشترک را جدی‌تر



می‌کند ماهیت روابط بین کشورهای بالادست و پایین دست رودخانه‌هاست که بهره‌برداری از آن را به یک اهرم سیاسی تبدیل می‌کند. نکته حائز اهمیت در این ارتباط، مزیتی است که به لحاظ ژئوپلتیک کشور فرادست منابع آبی را در اختیار دارد و در مقابل، کشور فرودست در ضعف ژئوپلتیکی قرار گرفته و توانایی تأثیرگذاری مناسب در معادلات منطقه‌ای را در اختیار ندارد. در این میان مناقشات هیدروپلتیک کشورهای منطقه آسیای مرکزی در حکم آتش زیر خاکستر است که هر لحظه قادر است به بحران منطقه‌ای تبدیل گردد. تفاوت در دیدگاه کشورهای بالادست (تاجیکستان و قرقیزستان) و پایین دست (ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان) بر سر منابع مشترک است که خود عامل اساسی بحران‌های منطقه‌ای نظیر امنیتی، زیست‌محیطی، اقتصادی و سیاسی است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

چارچوب مفهومی

ژئوپلتیک

ژئوپلتیک یعنی توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست با توجه به داده‌های (Gönlübol, 1978: 100). ژئوپلتیک به بررسی تأثیر پدیده‌های جغرافیایی بر ساختارها و نهادهای سیاسی، حکومتی و غیرحکومتی و تحولات آنها و خصوصیات روابط با دیگر دولت‌ها می‌پردازد (عزتی، ۱۳۸۸). ژئوپلتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظنیا، ۱۳۹۰).

هیدروپلتیک

هیدروپلتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعی، انسانی و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم‌از اینکه داخل کشورها و یا در سطح منطقه‌ای و جهانی و بین‌المللی باشد. هیدروپلتیک شاخه‌ای از علم ژئوپلتیک است که به بررسی نقش آب در سیاست می‌پردازد. آب عنصر بارزشی است که در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشورها و رهبران سیاسی حائز اهمیت است (حافظنیا و مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۲).



حقوق بین‌الملل رودها

از دیدگاه حقوق بین‌الملل رودها به دو گروه تقسیم می‌شوند: رودهای ملی و رودهای بین‌المللی، رودهای ملی رودهایی هستند که در داخل یک کشور جریان دارند و رودهای بین‌المللی رودهایی هستند که از داخل چند سرزمین عبور می‌کنند و دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌کنند. ماده ۳۳ قرارداد ورسای در سال ۱۹۱۹ رود بین‌المللی را رودی می‌داند که قابل کشتیرانی بوده و بیش از یک کشور را به آب‌های آزاد مرتبط می‌کند. این قانون بعداً اصلاح شد و شرط داشتن اهمیت اقتصادی به آن نیز اضافه شد (فرشادگر، ۱۳۶۷: ۲۴). درنهایت می‌توان گفت رودهای بین‌المللی دارای سه ویژگی هستند: ۱. از خاک دو یا چند کشور عبور می‌کنند، ۲. دویا چند کشور را از هم جدا می‌کنند، ۳. اهمیت اقتصادی داشته دارند (زرقانی، ۱۳۶۸: ۸۸).

اختلافات مرزی

مرزها پدیده‌هایی با ماهیت انسانی هستند که برای اثبات حقوق فیزیکی یک دولت بر یک قلمرو خاص تشکیل شده‌اند. مرز نه یک خط بلکه سطحی عمودی است که از طریق فضا و زمین و زیر زمین دولت‌های همسایه را قطع می‌کند. هرچند که این سطح در روی زمین به صورت یک خط مشاهده می‌شود.

در جغرافیای سیاسی، رودخانه‌ها به‌عنوان مرزهای آبی و به‌عنوان مرز دو واحد سیاسی، به‌رغم اینکه دارای مزیت‌هایی همچون مسیر مشخص و پهنای مناسب برای علامت‌گذاری هستند، به‌دلیل تغییرپذیری طبیعی آنها، مسلماً نمی‌توانند نقش یک خط ثابت را به‌خوبی ایفا کنند. رودهای بین‌المللی بین دو کشور ممکن است دارای اشکال مختلفی باشند: در شکل اول، رودخانه با قطع خط مرزی وارد کشور همسایه می‌شود. در این حالت، روابط بالادست و پائین‌دست بین دو کشور مطرح می‌شود. در شکل دوم، ممکن است رودخانه در قسمتی از مسیر خود به‌عنوان خط مرزی قرارگیرد و وارد کشور همسایه نشود که به آن رود مرزی گفته می‌شود. در شکل سوم، ترکیبی از دو نوع قبلی است که رودخانه در قسمتی از مسیر خود خط مرزی بین دو کشور را تشکیل می‌دهد و سپس وارد کشور همسایه می‌شود. در تعیین خطوط مرزی در رودهای بین‌المللی از هفت شیوه مختلف استفاده می‌شود. این روش‌ها عبارتند از: تعیین خط مرز در دو ساحل رود و بهره‌برداری مشترک از آن، تعیین خط مرز در یک کرانه رودخانه، براساس خط



منصف، براساس خط تالوگ، از طریق خط تالوگ همراه با خط منصف در مسیر کشتیرانی فرعی در مصب رود، تعیین خط مستقیم اختیاری و از طریق ادغام روش‌های فوق (صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۵۳).

رابطه آب با مسائل سیاسی

سیاست، اغلب خط‌مشی‌های حکومت یا احزاب سیاسی است. برخی دانشمندان سیاست را هنر اداره کشور می‌دانند، اما سیاست فراگیرتر از این موضوع است. برخی دانشمندان علوم سیاسی معتقدند که قدرت مفهوم اساسی سیاست است. با جهانی‌شدن اقتصاد و انتقال قدرت از مفاهیم نظامی به اقتصادی، دسترسی به منابع طبیعی یکی از عوامل قدرت محسوب می‌شود. از آنجاکه توسعه اقتصادی و پیشرفت صنعتی وابسته به منابع طبیعی است، مالکیت و دسترسی به منابع طبیعی آبی به‌عنوان یکی از شاخص‌های حفظ و بسط قدرت در نظر گرفته شده است (عسگری، ۱۳۸۱: ۵۲).

سطوح رابطه آب با سیاست

رابطه آب با سیاست در سطح محلی: سیاست گروه‌های داخلی جامعه است و در زمینه مشارکت محلی در اداره آب می‌باشد.

رابطه آب با سیاست در سطح ملی: سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه منابع آب جهت کشاورزی، آشامیدنی و صنعت داخل کشور.

رابطه آب با سیاست در سطح منطقه‌ای: سیاست بین کشورها درباره تخصیص، توزیع، کنترل و کیفیت منابع آب است (درايسدل و بلیک، ۱۳۷۰: ۱۲۷).

چارچوب‌های اصلی چالش‌های هیدروپلیتیک

تغییرات اقلیمی

گرم‌شدن مرکز زمین، برهم‌خوردن الگوی بارندگی، یکسان‌نبودن بارش در مناطق مختلف و نیاز به آب شرب، کشاورزی و تأمین امنیت غذایی را افزایش داده است. مهم‌ترین متغیر وابسته ناشی از این عامل کم‌آبی و اختلاف بر سر بهره‌برداری و حقایق می‌باشد.

مسائل سیاسی

یکی از بنیادی‌ترین مباحث رفتارشناسی سیاست خارجی کشورها این است که در واقع سیاست خارجی بازتاب نگاه کشور به سایر کشورهاست. بخشی از اختلافات



سیاسی در واکنش به تعریف از قدرت بروز می‌کند. مؤلفه‌های تأثیرگذاری بر سیاست‌های خارجی شامل تکثر قومی - مذهبی و قبیله‌ای و مسئله اختلافات ایدئولوژیک میان کشورهای منطقه و افزایش نظامی‌گری در منطقه است که باعث شدت گرفتن حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای است.

اختلافات در میزان قدرت کشورهای بالادست و پایین‌دست رودها

عامل اساسی طرح ادعای تاریخی کشورهای بالادست رودها جهت بهره‌برداری عمده و اساسی از آب رودخانه‌های بین‌المللی است که می‌توان ادعای عراق درخصوص اروندرود، مصر در رابطه با نیل و ترکیه در ارتباط با دجله و فرات و همچنین تاجیکستان و قرقیزستان درخصوص آمودریا و سیردریا را نام برد. اختلاف در میزان قدرت نظامی کشورهای حوضه رودها نیز زمینه‌ساز بحران‌هایی می‌گردد.

دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

عامل عمده در ارتباط با دخالت قدرت‌های منطقه‌ای در اجرای پروژه‌های مربوط به سدسازی در کشورهای ضعیف می‌باشد. از جمله کشورهای چین، ترکیه و کره جنوبی درخصوص رود نیل و کمک به کشورهای بالادست و پایین‌دست رود برای ایجاد پروژه‌های عظیم آبی است که به اختلاف میان مصر، سودان و اتیوپی دامن می‌زنند. درخصوص آسیای مرکزی دخالت کشورهای چین و آمریکا برای ساخت سدها و پروژه‌هایی آبی سبب بروز اختلافات و رقابت‌های سیاسی و امنیتی گسترده میان کشورها شده است.

عدم مدیریت یکپارچه منابع آب

مهم‌ترین دلایل این نوع اختلاف را می‌توان در کشورهای تازه‌استقلال یافته آسیای مرکزی مشاهده نمود که در گذشته تحت یک نظام یکپارچه مدیریتی از شوروی سابق قرار داشتند و مدیریت بالا به پایین به کشورهای منطقه تزریق می‌شد، اما پس از فروپاشی شوروی دچار اختلال در مدیریت آب شدند (صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۵۴).

مسائل فرهنگی و قومی

چالش‌های فرهنگی را می‌توان به دو گروه عمده عقیدتی و قومی تقسیم نمود. در بعد فرهنگی چالش‌های عقیدتی عمدتاً ناشی از تفکرات مذهبی و ایدئولوژیک است. در منطقه دره فرغانه اقلیت قومی عمده‌ای از ازبک‌ها به سر می‌برند که عدم



دسترسی به منابع آبی از سوی اکثریت غالب باعث اختلافات درونی شده است که این اختلافات در آینده احتمالاً جنبه فرامرزی پیدا خواهد کرد.

مسائل اقتصادی

تلاش برای رشد اقتصادی و مطرح شدن به عنوان قطب اقتصادی منطقه خود سبب بروز نابسامانی‌های گسترده‌ای در استفاده از منابع آب رودهای مرزی شده است؛ مانند چین که به خاطر رشد صنعتی در منطقه در حال بلعیدن آب رودهای مرزی برای تولید برق آبی و گسترش کشاورزی و صنایع خود است. از سوی دیگر، تلاش ازبکستان برای کشت پنبه و اقتصاد تک‌محصولی سبب شده تا نیاز به منابع آبی گسترده‌ای داشته باشد و سدهای بسیاری در این خصوص احداث کند. در مقابل کشورهای بالادست از جمله تاجیکستان و قرقیزستان برای تولید برق آبی و صدور آن درصد افزایش فعالیت سدسازی روی رودهای مشترک هستند.

همگرایی

همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود. واگرایی در برابر آن، عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص. فرایند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌ها از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا برعکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می‌کند و نیروهای اصلی و یا تقویتی به تحکیم روند، کمک نموده تا فرایند را کامل نمایند. این فرایندها از حیث تجلی فضایی ممکن است در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه و برعکس تجزیه با پیامدهای چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌شود. در سیاست بین‌المللی همگرایی فرایندی شناخته می‌شود که در طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف‌های مشترک صرف نظر کرده و از یک قدرت فوق ملی (که همان نهاد یا سازمان بین‌المللی است) تبعیت می‌کنند (Farajirad, and kheyri, 1392: 86). انگیزه اصلی دولت‌ها برای چنین همکاری‌های نزدیکی، دسترسی آنها به منافع و امکاناتی است که قبل از ورود به



فرایند همگرایی دست‌یافتن به آن برایشان غیرممکن بود (Hafiz Nia, 1390: 372).

منطقه‌گرایی

منطقه‌گرایی معادل کلمه رژیونالیسم است که از لغت region به معنای منطقه و ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است. مراد از این اصطلاح در ادبیات روابط بین‌الملل، تشکیلات و اجتماعاتی است که مرکب از حداقل سه واحد سیاسی باشد. در ادبیات روابط بین‌الملل، رژیونالیسم هنگامی کاربرد دارد که دولت‌های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علائق مشترک هستند از طریق سازمان‌های نقطه‌ای با یکدیگر همکاری‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (Shiri Gorgani, 1391: 10). در متون بین‌الملل و جغرافیای سیاسی، منطقه به‌عنوان پیوستگی متقابل تعدادی از کشورها اطلاق می‌شود که از جهت جغرافیایی و فرهنگ متجانس می‌باشند. به عبارت دیگر، تعدادی از کشورها از طریق تأسیس یک نهاد منطقه‌ای و همکاری در حوزه‌های مختلف به ایجاد و گسترش هویت مشترک مبادرت می‌نمایند (Omidi, 1388: 20).

محیط‌شناسی تحقیق

آسیای مرکزی

در سال ۱۹۲۴ آسیا از نظر سیاسی در ارتباط با مسکو به سه بخش آسیای نزدیک (منطقه قفقاز)، آسیای دور (متصرفات سبیری و سرزمین‌های خاور) و آسیای مرکزی (حداصل آسیای نزدیک و آسیای دور) تقسیم شد (شیرازی و مجیدی، ۱۳۸۲: ۱۵۰). آسیای مرکزی، منطقه‌ای میان قاره اوراسیاست که از شرق به دریای خزر، از غرب به چین، از شمال به روسیه و از جنوب به افغانستان می‌رسد. این منطقه با وسعتی بالغ بر ۴۰۷۷۰۰۰ کیلومتر مربع و بیش از ۵۵ میلیون نفر جمعیت است. این منطقه محصور در خشکی است و به‌طور کلی توپوگرافی آن شبیه کاسه‌ای متشکل از دشت‌ها و رشته‌کوه‌های پامیر است. درجه حرارت و تبخیر در این منطقه بسیار بالاست و میزان بارش محدود و نامتوازن است. پس از فروپاشی شوروی ۵ کشور مستقل ترکمنستان، قرقیزستان، تاجیکستان، قزاقستان، ازبکستان پس از سال ۱۹۹۱ ظهور کردند که این کشورها دارای ثروت بسیار زیادی در زمینه منابع طبیعی بودند؛ اما یک منبع خاصی که ظرفیت درگیری را افزایش داد، آب است. (kushkumbayev, 2013: 1). در این



منطقه منابع به صورت بسیار نابرابر توزیع شده است؛ به طوریکه ۹۰ درصد کوهستان‌ها در قرقیزستان و تاجیکستان متمرکز شده است (Karayev, 2005: 01). این دو کشور ۸۱ درصد آب شیرین منطقه را دارند. در مقابل، سه کشور دیگر دارای منابع غنی نفت و گاز هستند. دو رودخانه اصلی منطقه یعنی آمودریا و سیردریا است که به دریاچه آرال می‌ریزند. وضعیت خاص این منطقه می‌تواند به دلیل تاریخی باشد که مهم‌ترین آن کشت پنبه در پایین‌دست این دو رودخانه باشد و حدود ۹۱ درصد از آب‌های آن صرف کشت پنبه می‌شود که باعث ایجاد اختلاف میان کشورهای بالادست و پایین‌دست شده است.

بیان مسئله تحقیق

هیدروگرافی منابع آبی در منطقه آسیای مرکزی

آسیای مرکزی از نظر منابع طبیعی غنی است و در آن ذخایر بزرگی از زغال سنگ، گاز طبیعی و نفت و منابع آب شیرین وجود دارد. این منابع با در نظر گرفتن مرزبندی‌های سیاسی به صورت نامتوازن توزیع شده است که بیشترین منابع انرژی و زمین‌های زراعی در قزاقستان و ازبکستان و ترکمنستان واقع شده است. بیشترین ذخایر آب شیرین در آسیای مرکزی واقع در کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان است و همچنین سرچشمه‌های رودخانه‌های اصلی آسیای مرکزی آمودریا و سیردریا در این دو کشور واقع شده است.

قرقیزستان و تاجیکستان دارای بیشترین ذخایر آب شیرین می‌باشند. به عنوان مثال، ترکمنستان و ازبکستان بیشترین ذخایر گاز طبیعی منطقه را در اختیار دارند. بخش‌های غربی ترکمنستان و قزاقستان نیز غنی از نفت است. علاوه بر این مقدار زیادی زغال سنگ در غرب قزاقستان وجود دارد.

همین‌طور می‌توان بیان کرد که ۸۱٪ ظرفیت هیدروپلتیک آب شیرین در آسیای مرکزی واقع در کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان است. علاوه بر این، سرچشمه‌های رودخانه‌های اصلی آسیای مرکزی آمودریا و سیردریا در این سرزمین واقع شده است.

سیردریا (سیحون)

این رود، دومین رود پرآب در آسیای مرکزی است. این رودخانه دو سرچشمه



دارد: یکی کوه‌های تین‌شان در قرقیزستان و دیگری در شرق ازبکستان. طول این رود ۲۲۲ کیلومتر در جهت غرب به شمال غربی است و در مسیر خود سرتاسر کشتزار کشتزارهای پنبه را در آسیای مرکزی آبیاری می‌کند و متوسط جریان سالانه آن ۳۷/۵ میلیارد مترمکعب است و در نهایت به دریاچه آرال می‌ریزد (درخور و فرجی‌راد، ۱۳۹۲: ۷).

آمودریا (جیحون)

این رود بزرگترین و پرآب‌ترین رود آسیای مرکزی است و طول آن بیش از ۲۶۲۰ کیلومتر است که از آب ذوب یخچال‌های طبیعی تغذیه می‌شود. آمودریا از کوه‌های پامیر سرچشمه گرفته و حدود ۱۱۲۶ کیلومتر آن در قسمت مرزهای شمالی افغانستان با تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان جاری است. تاجیکستان ۸۰ درصد، افغانستان ۸ درصد، ازبکستان ۶ درصد و ترکمنستان ۳ درصد از آب این رود را در اختیار دارند (غیاث‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۷). بخش‌هایی از این رود، قابل کشتیرانی است. در سواحل این رود شیرخان بندر و بندر حیرتان قرار گرفته که کالاهای صادراتی و وارداتی افغانستان به آسیای مرکزی از طریق این بندر مبادله می‌شود. این رود در گذشته به دریای خزر می‌ریخته که بعدها مسیر آن تغییر کرده و پس از پیوستن به رود سیردریا به دریاچه آرال می‌ریزد.

نقشه شماره . آسیای مرکزی – رودهای آمودریا و سیردریا



منبع: (Aral map .png)



منابع آب و مسائل و مشکلات آن در آسیای مرکزی

از عوامل تنش‌آفرین در رابطه دولت‌ها چهار مورد به مسائل آب برمی‌گردد: خط مستقیم آب، رودخانه‌های مرزی، حوضه آبرگیر موجود در کشور دیگر و مرزهای ورودی در رابطه با همسایگان و کشورها مؤثر است.

بین دسترسی به منابع آب و رقابت رابطه معکوس وجود دارد. رفتار دولت‌ها نسبت به منابع آبی مشروط به وجود یک قاعده در سطح داخلی و بین‌المللی است و آن مدیریت بهینه منابع است که در این میان، رودخانه‌های مرزی به‌عنوان یک منبع آب شیرین در جهان شناخته می‌شوند و کشورها از این رودخانه‌ها به‌عنوان یک محیط هیدروپلیتیک برای حفظ قدرت اقتصادی و افزایش وزن سیاسی قدرت ملی خود بهره می‌برند (صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۶۶).

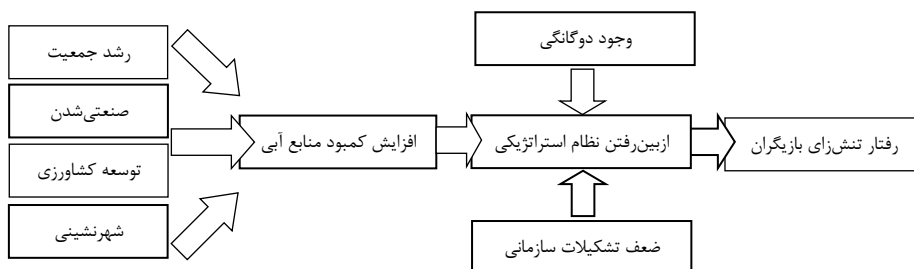
رودخانه‌ها به دو دلیل می‌توانند زمینه‌ساز مشکلات زیادی در اختلافات مرزی واقع در جغرافیای سیاسی شوند. اول مجرای پایین‌دست رود به‌طور دائم تغییر کند و دوم عرض رود نوسان داشته باشد که ممکن است چند شاخه شود. بنابراین، مورفولوژی رودها در ثبات و تعیین مرزهای سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (هاگت، ۱۳۷۹: ۳۷۲). از سوی دیگر، رودهای مرزی هم می‌توانند سرچشمه تنش و کشمکش و هم منشأ حسن همجواری و همکاری باشند. در سراسر جهان معمولاً کشورهای واقع در بالادست رود می‌توانند بر سرنوشت و روند توسعه اقتصادی، اجتماعی کشورهای پایین‌دست رود تأثیرگذار باشند و می‌توانند با تغییر مسیر رود یا تهدید به انجام آن کشورهای در مسیر را به سمت و سوی سیاست‌های موردنظر خود سوق دهند. دسترسی به آب شرب برای آشامیدن و آبیاری یکی از سخت‌ترین مسائل در آسیای مرکزی است.

بارش در حوضه دریاچه آرال به‌طور کلی کم است و آب این رودها از طریق ذوب‌شدن برف یخچال‌های طبیعی کوهستانی کشورهای بالادست تأمین می‌شود و این درحالی است که بیشترین زمین‌های کشاورزی در کشورهای پایین‌دست واقع شده است.

سه کشور بالادست ۸۷ درصد از کل جریان آبی دریاچه آرال را تأمین می‌کند. درحالی‌که کشورهای پایین‌دست ۸۰ درصد جمعیت و ۸۵ درصد از زمین‌های کشاورزی منطقه را در اختیار دارند.



باتوجه به کاهش ۴۰ درصدی حجم ورودی رودها در سال‌های اخیر کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و ازبکستان برای تأمین آب شرب خود با مشکل مواجه شده‌اند. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۲۰۲۵ جمعیت این منطقه به ۶۵ میلیون نفر برسد که نیاز به آب مصرفی بیشتری دارد. براساس بررسی‌های انجام‌شده دولت ازبکستان حساسیت زیادی نسبت به آب فرامرزی دارد که از تاجیکستان و قرقیزستان جاری می‌شود و زندگی اقتصادی این کشور به این وابسته است. اقدامات تاجیکستان برای مهار آب آمودریا در ساخت سد و نیروگاه سنگ توده ۱ و ۲ به بهانه تولید و صادرات برق مازاد به سد قنبر آتا بر رود سیردریا سبب نگرانی عمیق در ازبکستان و قزاقستان می‌شود.



نمودار ۱. مؤلفه‌های تنش‌زای هیدروپلیتیک موجود در آسیای مرکزی

منبع: صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۶۱

رودخانه‌های سیردریا و آمودریا بزرگترین عامل رقابت‌آمیز در منطقه آسیای مرکزی است. منطقه آسیای مرکزی به‌عنوان یکی از مناطق برنامه‌ریزی‌شده در تصمیمات اتحاد جماهیر شوروی شناخته می‌شد. در دهه ۱۹۲۰ آسیای مرکزی ضمیمه شوروی شد و ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط‌زیست آن تغییر بسیاری نمود (هارتمن، ۲۰۰۷: ۱۶).

سیاست استالین نه‌تنها بر گروه‌های قومی مذهبی، زبانی و فرهنگی تأثیر می‌گذاشت، بلکه رودهای مرزی و جریان‌های آبی آن را هم متأثر ساخت. اتحاد جماهیر شوروی با ایجاد جمهوری‌های کوچک قرقیزستان و تاجیکستان با آب فراوان و زمین‌های کشاورزی کوچک درمقابل سه کشور بزرگ قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان با منابع آبی محدود و زمین‌های کشاورزی گسترده به‌دنبال رسیدن



به منافع خود بود.

در اواسط قرن ۱۹ آمریکا و انگلیس، بزرگترین تهیه‌کننده پنبه در جهان بودند و روسیه به دنبال کاهش وابستگی به خود به این کشورها بود. منطقه آسیای مرکزی موقعیت منحصر به فردی به عنوان یک منطقه خشک با جریان وسیع رودخانه‌ها داشت که شوروی از آن برای تولید برق آبی استفاده فراوانی نمود و تولید برق آبی را در کشورهای بالادست رودخانه‌ها آغاز نمود و بیش از ۴۵ سد و ۸۰ مخزن در آنجا احداث نمود. اهمیت آبیاری برای روسیه بسیار بالا بود به طوری که وسعت زمین‌های کشاورزی به بیش از ۸۱۵۰۰۰ هکتار در این منطقه رسید (کارلی ۲۰۰۹: ۱).

پنبه به عنوان محصول راهبردی برای کشورهای پایین دست رودها محسوب می‌شد؛ به گونه‌ای که بیش از نیمی از سطح زیرکشت این کشورها به تولید پنبه اختصاص یافته بود. به دلیل افزایش جمعیت و کاهش محصولات غذایی در این مناطق باعث ایجاد نگرانی بین مردم شد. این وضعیت به دو دلیل برای شوروی مناسب بود: اول اینکه باعث تقویت اختلافات آبی بین کشورها می‌شد و دوم رقابت برای آب افزایش می‌یافت و کشورها در این صورت به شوروی نیازمند می‌شدند. آب از دیرباز علت عمده اختلاف و منازعه در آسیای مرکزی بوده است. قرقیزستان و تاجیکستان دارای آب مازاد هستند و سه کشور دیگر می‌گویند سهم خود را از رودخانه‌های بزرگ منطقه نمی‌برند. اختلافات در خصوص آب به ویژه در قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان رو به افزایش است.



جدول ۱. درگیری‌های ایجادشده مرزی میان کشورهای آسیای مرکزی

نوع درگیری	نوع اختلاف	کاربر اصلی	کنترل منابع
تنش‌های قومی بین ازبکستان و قرقیزستان در دره فرغانه	جریان‌ات پایین دست و بالادست	ازبکستان و قرقیزستان	قرقیزستان
استفاده تاجیکستان از دره فرغانه	جریان‌ات پایین دست و بالا دست	ازبکستان و تاجیکستان	تاجیکستان
تنش‌های قومی بین ازبکستان و تاجیکستان	سیستم آبی به اشتراک گذاشته شده	ازبکستان و تاجیکستان	قرقیزستان
انتقال آب از سیردریا به قرقیزستان که مورد نارضایتی ازبکستان و قزاقستان قرار گرفت	جریان‌ات پایین دست و بالادست سیستم آبی به اشتراک گذاشته شده	قرقیزستان و ازبکستان	تاجیکستان
تقسیمات فرقه‌ای آمودریا بین گورونو و مناطق کورگان تیوب	جریان‌ات پایین دست و بالادست	تاجیکستان	تاجیکستان
تنش‌های قومی میان ازبک و تاجیک	جریان‌ات پایین دست و بالادست سیستم آبی به اشتراک گذاشته شده	ازبکستان	تاجیکستان
ادعای اراضی بخشی از واحه، استان خوارزم	جریان‌ات پایین دست و بالادست سیستم آبی به اشتراک گذاشته شده	ترکمنستان و ازبکستان	ترکمنستان و ازبکستان

منبع: صالح‌آبادی، ۱۳۹۳: ۳۷۶

نتیجه‌گیری

رودهای مرزی بیش‌ازآنکه مظهر اختلافات و درگیری و نزاع باشد، می‌تواند نماد مشارکت و همکاری بین دولت‌ها و ملت‌ها باشد؛ اما در کنار این مسئله باید به این نکته مهم توجه داشت که این همکاری و مشارکت باید با مطالعه و درنظرگرفتن تمامی جوانب آن نیز آن به‌ویژه وضعیت کشورهای منطقه و حوضه‌های آبریز باشد. کشورهای منطقه آسیای مرکزی دچار کم‌آبی و افزایش قابل‌توجه جمعیت و نیاز به گسترش و توسعه بخش‌های کشاورزی و صنعتی هستند.

در منطقه آسیای مرکزی با وجود دو رود بزرگ آمودریا و سیردریا که پرآب‌ترین رودهای این منطقه به مقدار کافی آب دارد، اما اتکای برخی کشورهای این منطقه مانند ازبکستان و ترکمنستان که در پایین دست این رودها قرار دارند به کشاورزی باعث شده است که استفاده از رودهای مرزی جزء مسائل امنیتی این کشورها محسوب شود. مسئله استفاده از رودهای مرزی منطقه آسیای مرکزی به عامل اصلی تیرگی روابط میان کشورهای حوضه آبریز تبدیل و منشأ مناقشات محلی شده است. کشورهای تاجیکستان و قرقیزستان تنها راه تأمین استقلال خود در بخش انرژی را در گرو ساخت نیروگاه‌های برق آبی می‌دانند که بدون توجه به مخالفت سایر کشورهای همسایه می‌باشد؛ اما کشورهای ترکمنستان، قزاقستان و



ازبکستان که در بخش تأمین انرژی مشکلی ندارند با ساخت نیروگاه‌های برق آبی در منطقه مخالفت می‌کنند. براساس کنوانسیون حقوقی استفاده از منابع آب‌های مرزی بین المللی مصوب ۲۱ مه ۱۹۹۷ سازمان ملل کشورهای بالادست موظف به در نظر گرفتن شرایط روند شکل‌گیری تاریخی استقرارگاه‌های جمعیتی و تحول جوامع پایین‌دست رودهای مرزی برای توزیع و جریان عادلانه منابع آبی هستند. از این رو، کشورهای منطقه آسیای مرکزی نیاز دارند تا به اشتراک گذاشتن رودهای آودریا و سیردریا به صورت منصفانه و براساس قوانین بین‌المللی حق بهره‌برداری منصفانه را به سایر کشورهای حوضه آبریز بدهند. یکی دیگر از قوانین این کنوانسیون ماده ۷ آن است که کشورها را ملزم به خودداری از ایجاد آسیب قابل توجه آب‌های مرزی می‌نماید و جهت جلوگیری از وارد شدن آسیب به کشورهای دیگر با اشتراک‌گذاری یک آبراه بین‌المللی از آن استفاده می‌نمایند. در نهایت بر این نکته تأکید می‌شود که با توجه به مطالب مطرح شده در این مقاله می‌توان گفت رودهای مرزی آمودریا و سیردریا همان‌طوری که باعث ایجاد نزاع، تنش و چالش هیدروپلیتیکی بین کشورهای همسایه و حوضه آبریز می‌شوند، از سویی می‌توانند باعث به وجود آمدن همکاری و همبستگی بین ملت‌ها و کشورهای منطقه با استفاده از مدل‌های مشارکتی شود.

پیشنهادها

- رودخانه‌های سیردریا و آمودریا باید موضوع توافقنامه‌های جداگانه‌ای برای تقسیم آب باشند؛
- تا زمان امضای توافقنامه‌ای جامع در زمینه مدیریت آب و انرژی، توافقنامه‌های دوجانبه تقسیم آب و انرژی میان قرقیزستان و ازبکستان، و ازبکستان و تاجیکستان باید ارتقا یابند؛
- برنامه‌های نوسازی زیرساخت‌ها را در مناطق شهری در حوزه بهداشت و در مناطق روستایی در حوزه تکنیک‌های مدرن آبیاری مانند آبیاری قطره‌ای گسترش بخشید.



منابع فارسی

- امیدوی اوج، مریم؛ پورموسوی، سیدموسوی و طاهرخانی، پگاه (۱۳۹۰)، **بررسی ژئوپلیتیک زیست‌محیطی خلیج فارس با تأکید بر ساخت جزایر مصنوعی**، پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ج اول.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ مجتهدزاده، پیروز و علیزاده، جعفر (۱۳۸۵)، **هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط ایران و افغانستان**، پژوهشگاه علوم انسانی و فرهنگی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران: انتشارات سمت.
- درخور، محمد و فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۲)، **بحران آب و نتایج زیست‌محیطی آن در آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی**، س ششم، ش ۱۲.
- زرقانی، سیدهدادی (۱۳۸۶)، **مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی**، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- صالح‌آبادی، ریحانه (۱۳۹۳)، **بررسی چالش‌های هیدروپلیتیک منابع آب در منطقه آسیای مرکزی**، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۸، ش ۲.
- شیرازی، ابوالحسن و مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، **سیاست و حکومت در آسیای مرکزی**، تهران، نشر قومس.
- عسگری، محمد (۱۳۸۱)، **نسبت نوین بین منابع آبی و امنیت ملی**، فصلنامه مطالعات راهبردی، س ۵، ش ۲۰.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۸)، **ژئوپلیتیک**، تهران: انتشارات سمت.
- فرشادگهر، ناصر (۱۳۶۷)، **نظام حقوقی رودخانه‌های بین‌المللی**، چ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- هاگت، پیتر (۱۳۷۹)، **جغرافیای ترکیبی نو**، ج دوم، تهران: انتشارات سمت.

منابع انگلیسی

- Kushkumbayev, Sanat, Kushkumbayeva, azina (2013), "Water and Energy Issues in the Context of International and Political Disputes in Central Asia.
- Kushkumbayev, Sanat, Kushkumbayeva, azina (2013), "Water and Energy Issues in the Context of International and Political Disputes in Central Asia.
- Hafeznia, Mohammad Reza, and others (2011) Sustainable Security in the Persian Gulf (Obstacles and Mechanisms) No. 1, Year 7 [in Persian
- Omidi, Ali (2009), Regionalism in Asia, Quarterly Journal of Political and International Studies, Tehran [in Persian]